

جدال در قرآن

ظاهره اسلامی^۱

چکیده:

احتجاج و جدال در اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد و اسلام، ضمن سفارش به نپذیرفتن چیزی بدون تفکر و سؤال، همگان را به بحث و گفتگو دعوت می‌کند.

جدال مورد پذیرش اسلام، دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: اهداف صحیح، دفاع از حقیقت، دفع شبهات و از بین بردن آوهام و سوءظن‌ها، تصدیق عقاید مکتب حق، شکست دادن خصم یاوه‌گو به قصد یاری حق.

علاوه بر این، داشتن شرایط ویژه‌ای همچون تسلط علمی فرد مجادله‌کننده، اهلیت وی برای گفتگو، استفاده از مطالب حق برای اثبات مدعای خویش، و رعایت آدابیه همچون توکل به خدا و کمک گرفتن از او، احترام به طرف مقابل، دوری از تندی، رعایت انصاف، استفاده به جا و مناسب از مباحثی طرف مقابل و مشخص کردن محل نزاع، پیروی از معیارهای عقلی و علمی، ضروری است.

جدال و احتجاج آفاتی نیز دارد؛ رعایت نکردن آداب، شرایط، و فسون جدال جهالت و نادانی، پیروی از گمان و پندار، پافشاری و تعصب بی‌جا و تقلید کورکورانه از گذشتگان، و نیز پیروی از هوی و هوس جزء آفات جدال و احتجاج بشمار می‌رود.
کلید واژه‌ها: احتجاج، جدال احسن و غیر احسن، بحث و گفتگو.

درآمد

در روزگاری که بشر در نهایت جهل و غفلت به سر می‌برد، خداوند متعال، برای غفلت‌زدایی و بیدار کردن خواب مرگ‌آسای انسان‌ها، لطف و عنایتش راه ارزانی داشت و با ارسال آخرین

رسولش، پیامبر اکرم ﷺ، برترین و آخرین پیام خود را، که گوهر گرانبها و سرچشمه جوشان معارف اسلامی است، فرو فرستاد.

قرآن، معجزه جاوید، سند حقایق اسلام، کتاب هدایت و راهنمای بشریت است؛ این کتاب جامع و کامل، که بزرگترین منبع عقاید است، عمیق‌ترین معارف را با ساده‌ترین و کارآمدترین شیوه ممکن و با روشی بدیع و اسلوبی خاص برای هدایت خلق، بیان کرده است.

قرآن در موارد متعدد، مسائل را به صورت احتجاج و جدال بیان نموده است؛ به صورتی که در نهایت، یا به پذیرش و تسلیم مخاطب، و یا به غلبه بر وی و سکوتش منجر می‌شود. براین اساس، یکی از مباحث مهم قرآنی، مجادلات و احتجاجات آن است.

ما، در عصر برخورد اندیشه‌ها زندگی می‌کنیم و روشن است که با زور و سرتیزه، نمی‌توان عقیده را بر ذهن‌ها تحمیل کرد؛ مخالفین نیز برای اثبات ادعاهای بدون دلیل خود، لحظه‌ای آرام ننشسته‌اند. از این رو، بهترین و محکم‌ترین راه رسیدن به هدف و روشنگری و کشف حقایق و شناخت واقعیت‌ها، گفت و گو و احتجاج است؛ در این راه، دستیابی به اصول، شیوه و محتوای مناظرات قرآنی بسیار مفید و کارآمد است، چرا که با استفاده از محتوای احتجاجات قرآنی، می‌توان به ابزاری قوی جهت پاسخگویی به بسیاری از مسائل دست یافت و بی‌شماری از شیبهات و اشکالات موجود در دنیای امروز را، پاسخ مستدل داد.

در این پژوهش می‌کوشیم به بیان اصول، شیوه، آداب و فنون احتجاج و جدال در قرآن بپردازیم، و راه صحیح مجادله کردن را بیاموزیم.

از نظر اسلام، فلسفه دین، ارائه روش تکامل انسان از راه افکار آزاد است، و آزادی بحث و انتقاد در مسایل اعتقادی - مذهبی، یکی از ویژگی‌های مکتب اسلام است. در هیچ آیینی، به اندازه اسلام، آزادی اندیشه و ابراز عقیده وجود نداشته، تا در پرتو آن، مخالفان بتوانند، حتی، در نزد رهبران آن آیین، اظهار عقیده کنند و به بحث و گفت‌وگو بپردازند و در قبول و رد آنچه می‌شنوند، آزاد باشند.

در تاریخ زندگی پیامبر اکرم ﷺ و همچنین ائمه معصومین علیهم‌السلام موارد فراوانی یافت می‌شود که مخالفان اسلام با ایشان به مناظره و بحث و گفت‌وگو پرداخته و در کمال آزادی و صراحت، و بدون اینکه، مورد اهانت قرار گیرند، انتقادهایی را به اصول و فروع اسلام داشته‌اند و ایرادهای ایشان، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. به عنوان نمونه، ابن ابی العوجاء زندیق، درباره امام صادق علیه‌السلام، می‌گوید:

او، ابتدا حرف‌های ما را می‌شنود و هیچ‌گاه، در صحبت با ما، بد زبانی نمی‌کند و جز پاسخ حرف‌های ما، سخن اهانت‌آمیزی نمی‌گوید. وی، با کمال بردباری و متانت، به سخن ما

در این بخش از کتاب، به بررسی مناظرات قرآنی پرداخته شده است.

گوش می‌دهد و از ما می‌خواهد که هرچه، دلیل بر عقیده خود داریم، بیاوریم. پس از این که حرف ما تمام شد، درحالی که ما به خیال خود او را محکوم کرده‌ایم، شروع به صحبت می‌کند و با چند کلمه کوتاه، تمام حرف‌هایی را که زده‌ایم، باطل می‌سازد و با استدلال‌های متین خود، راه هرگونه پنهان‌جویی را بر ما می‌بندد، به طوری که ما نمی‌توانیم پاسخ‌های او را رد کنیم (بخارالانوار: ج ۳ ص ۵۸).

در مکتب اسلام، عقل و منطق، جایگزین زور و تزویر است و در قرآن کریم، راه‌های کاربردی متعددی، برای هدایت انسان‌ها و ارشاد گمراهان آمده است. خداوند متعال در آیه ۱۲۵ سوره نحل^۱، سه وسیله مهم «حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن» را برای دعوت به سوی حق، بیان نموده و از پیامبر اکرم ﷺ خواسته است که:

با مردم مجادله کن و با دشمنان به طریق احسن، که بهترین طریق مناظره است، مناظره کن، به طوری که با نرمی و مدارا و انتخاب راه آسان‌تر و به کارگیری مقدمات مشهوره باشد، تا سروصدای آن‌ها را آرام کنی و شعله‌وری آن‌ها را خاموش نمایی، همان‌طور، که ابراهیم خلیل علیه السلام انجام داد (روح المعانی فی تفسیر القرآن: ج ۱۴ ص ۲۳۲)^۲.

تعریف احتجاج و جدل

۱- احتجاج

در احتجاج، «مطلوب، ظهور حجت است» (فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات: ص ۱۰۱)، و «مراد از حجت، دلیل و برهان است» (لسان العرب: ج ۲ ص ۲۲۸)، یعنی اقامه مطلق دلیل برای اثبات مدعا که در نهایت، یا با پذیرش و تسلیم مخاطب همراه است، و یا به غلبه و پیروزی یک طرف و سکوت مخاطب منجر می‌شود (معرفت فطری خلا: ص ۸۷).

۲- جدال

جدال، بر وزن فعال، یکی از مصادر باب مفاعله است و در معنای آن، معارضه و بحث بین دو طرف که «معمولاً یکی حق و دیگری باطل است، لحاظ شده است» (همان: ص ۹۳). برخی جدال را عبارت از آداب مناظره دانسته و گفته‌اند:

جدال، عبارت است از: شناسایی قواعد، حدود و آداب استدلالی که به وسیله آن، انسان به حفظ عقیده و رأی یا طرد آن، رهبری می‌شود... (مقنمه ابن خلدون: ص ۴۵۷)

۱. - ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن ...
۲. حضرت ابراهیم علیه السلام در مناظره با مخالفین زمان خود، روشمند عمل کرد، که در آینده به آن می‌پردازیم.

هدف از جدال و مناظره، دو گونه است: الف) مناظراتی که با هدف دفاع از حقیقت، دفع شبهات و از بین بردن اوهام و سوءظن‌ها، تصدیق عقاید مکتب حقه و دفاع از آن، شکست دادن خصم یاوه‌گو و معاند به قصد یاری حق، انجام گیرد.

ب) مناظره‌هایی که با هدف تکذیب، رد و ابطال حق، شکست دادن خصم و ساکت کردن او یا هر وسیله‌ای، نه به قصد وصول به حق، بدست آوردن شهرت و اظهار فضل و تهاجم بر دیگران، با بیان ضعف آن‌ها، فضیحت و تخریب دیگران باشد.

از نظر اسلام، مورد دوم، مردود و حرام است و افراد مناظره کننده با این اهداف، طرد و مورد نکوهش قرار گرفته‌اند. بر این اساس با توجه به آیات و روایات، جدال، دو گونه است: جدال احسن و جدال غیر احسن. در اسلام، جدال احسن جایز است، و از جدال غیر احسن نهی شده است. امام حسن عسکری علیه السلام از اجداد طاهرینش علیهم السلام، از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند:

جدال به غیر احسن، حرام است و خدای تعالی آن را بر شیعیان ما حرام کرده است
(احتجاج: ج ۱ ص ۲۱).

جدال احسن دارای شرایط و مواردی است که به آن می‌پردازیم:

شرطهای جدال احسن:

۱- مجادله کننده باید معارف حق را دریافته باشد، و با تسلط علمی بر اصول و فروع بحث، به اثبات و تبیین آن بپردازد و نقض‌هایی که بر مطالب حق وارد شده است را رد کند.
۲- مجادله کننده باید اهلیت گفت‌وگو و توانایی و قدرت مناظره کردن را داشته باشد، و به روش ورود به بحث و خروج از آن، آگاه و مسلط باشد. امام صادق علیه السلام، ابوخالده را از مناظره کردن منع کرد و فرمود:

ابوخالده، مؤمن طاق با مردم سخن می‌گوید و می‌تواند پاسخ گوید و از عهده‌اش برمی‌آید، ولی اگر با تو بحث کنند، نمی‌توانی از عهده‌اش برآیی (گفت‌وگویی تمنیها در قرآن و حدیث: ص ۳۲).

در روایت دیگری، طیار نقل می‌کند:

به امام صادق علیه السلام گفتم: شنیده‌ام از گفت‌وگویی ما با مردم ناخشنودی، و مناظره را نمی‌بسنی؟ امام علیه السلام فرمود: از سخن گفتن امثال تو ناخشنود نیستم؛ انسان‌هایی که اگر بال‌گسترند خوش می‌نشینند و اگر بنشینند، نیک اوج گیرند؛ گفت‌وگوی چنین افرادی را ناخوش نمی‌دارم (بحارالانوار: ج ۲ ص ۱۳۶).

۳- مجادله کننده، باید از مطالب صحیح در اثبات مدعای خود استفاده کند، و روش او در اثبات مطالب حق، یا نقض مطلب باطل، طریق الهی باشد (معرفت فطری خدا: ص ۹۸).

﴿... وَمَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾ (کهف: آیه ۵۱)؛ من هرگز گمراه کنندگان را دستیار خود پر نمی‌گزینم.

امام صادق علیه السلام بهره جستن از راه باطل در مناظره راه جدال غیر احسن معرفی می‌کنند و می‌فرمایند:

— جدال به غیر احسن آن است که، با مبطلی جدال کنی، و او، باطلی را بر تو اقامه کند و تو نتوانی آن را با حجت خدا دادی، رد کنی؛ ولی با وجود این، یا گفته او را انکار کنی، و یا حقی را انکار کنی که طرف مقابل برای باطلش از آن کمک گرفته است، و تو برای این که، طرف مقابل حجتی علیه تو نداشته باشد، آن حق را انکار می‌کنی، به واسطه آن که راه رهایی از آن را نمی‌دانی... (احتجاج: ج ۱ ص ۲۱).

در این جا ممکن است این سؤال مطرح شود که، اگر بناست در اثبات مطلب حق و یا نقض مطلب باطل، از راه حق استفاده شود، پس چرا حضرت ابراهیم علیه السلام در جدال خویش، در مورد ماه، ستاره و خورشید فرمود: «هذا ربی»؛ این سؤال را مأمون از امام رضا علیه السلام پرسید و امام علیه السلام در جواب فرمود:

این سخن حضرت ابراهیم علیه السلام بر طریق انکار و استخبار است، نه به صورت اقرار و اخبار (بحار الانوار: ج ۱۱ ص ۷۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن: ج ۲ ص ۴۳۲؛ تفسیر نورالثقلین: ج ۲ ص ۳۶۲).

یعنی، حضرت ابراهیم علیه السلام ابتدا سخن کفار را بیان کرد و سپس به نقض آن پرداخت، و در هنگام بیان کلام آنان، آن را نپذیرفته بلکه مانند این بود که از آنها پرسد: آیا این خدای من است؟ و این استفهام به صورت استفهام انکاری بود، نه به صورت خبر دادن از اعتقاد خویش.

۴- جدال باید سودمند باشد و مجادله کننده، وارد مناظره نگردد، مگر در مواردی که امید تأثیر در طرف مقابل وجود دارد؛ اگر بداند که طرف مقابل، سخنش را نمی‌پذیرد و زیر بار حق نمی‌رود، هر چند که خطا و اشتباه او کاملاً روشن باشد، مناظره با او جایز نیست.

۵- شرایط زمانی و مکانی، و وضعیت مجادل و مخاطب برای مناظره مناسب باشد (معرفت فطری خدا: ص ۱۰۰).

۶- باتوجه به روایات زیادی که از جدال در مباحث دینی نهی شده، می‌توان گفت فقط در هنگامی که ضرورتی برای مجادله وجود داشته باشد، باید وارد بحث و مناظره شد.

بهدار
الکتاب

آداب جدال و احتجاج

۱. توکل و استعانت از خدا

بر مومن و مسلمان لازم است که در هنگام بحث و مناظره یا مخالفین، از خداوند در شفاف ساختن حقایق در گفت‌وگوها، استعانت جوید.

﴿وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ...﴾ (نساء: آیه ۱۰۴)؛ شما [مؤمنین] چیزهایی از خدا امید دارید که آنها امید ندارند.

امام سجادی علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق می‌فرماید:

پروردگارا! بر محمد و آتش درود فرست ... و من را بر کسی که با من بحث کند، زبانی گویا ده ... (مفاتیح الجنان: دعای مکارم الاخلاق).

امام رضا علیه السلام نیز برای مناظره کردن، وضو گرفت و با مخالفین وارد بحث شد (التوحید: ص ۴۱۹).

۲. پیروی از معیارهای عقلی و علمی

در اسلام، پیروی از معیارهای عقلی و علمی مورد توجه قرار گرفته و عقل و منطق، جایگزین زور و تزویر است. خداوند متعال در قرآن کریم، بارها مخالفین را مخاطب قرار داده است و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که:

﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره: آیه ۱۱۱)؛ به آنان بگو: اگر راست می‌گویید، دلیل و برهانتان را بیاورید.

امام رضا علیه السلام در مناظره با نصرانی، ضمن دعوت به تعقل و انصاف، هیچ‌گاه عصبانی نشد:

سَلِّ عَمَّا أَرَدْتَ، فَاعْقِلْ عَمَّا سَأَلْتَ عَنْهُ.

هرچه می‌خواهی بپرسی، و در جواب من دقت کن و آن را بفهم (التوحید: ص ۴۲۹-۴۳۰).

۳. رعایت آداب و ارزش‌های اخلاقی

اخلاق گفت‌وگو، از نظر اسلام، موضوع با اهمیتی است. بسیاری از مواقع، براهین عقلی، به دلیل رعایت نکردن کامل جنبه اخلاقی گفت‌وگو، موفق به کشف حقایق نمی‌شوند. احترام به طرف مقابل، برخورد نیکو و صادقانه و همراه با انصاف، و چنگ‌زدن به رهنمودهای اخلاقی قرآن و سنت، بسیار مفید و سازنده است.

آداب
جدال بر قرآن

۱-۳) احترام به طرف مقابل بحث

پیامبر اکرم ﷺ در مناظره با عبدالله مخزومی، ابتدا به سخنان او گوش می‌دهد و همین که ساکت می‌شود، او را به بیان عقایدش ترغیب می‌کند، و بارها از او می‌پرسد: آیا چیزی از کلامت باقی مانده است؟ (الاحتجاج: ج ۱ ص ۴۲).

این ابی العوجاء، زندیق عصر امام صادق ﷺ، درباره ایشان می‌گوید:

او، ابتدا حرف‌های ما را می‌شنود، و هیچ‌وقت در صحبت با ما، بد زبانی نمی‌کند و جز پاسخ حرف‌های ما، سخن اهانت‌آمیزی نمی‌گوید. با کمال بردباری و متانت به سخن ما گوش می‌دهد، و از ما می‌خواهد که هرچه دلیل بر عقیده خود داریم، بیاوریم. پس از این که حرف ما تمام شده، درحالی که ما به خیال خود او را محکوم کرده‌ایم، شروع به صحبت می‌کند و با چند کلمه کوتاه، تمام حرف‌هایی را که زده‌ایم، باطل می‌سازد، و با استدلال‌های متین خود، راه هرگونه بهانه‌جویی را بر ما می‌بندد، به طوری که نمی‌توانیم پاسخ‌های او را رد کنیم (بحارالانوار: ج ۳ ص ۵۸).

۲-۳) خویشتن داری از تندی (قول آیین)

خداوند متعال به موسی ﷺ، دستور می‌دهد با هارون، به سوی فرعون بروند و با گفتاری نرم او را به سوی خود بخوانند:

﴿اذهبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾ (طه: آیات ۴۳-۴۴)؛
به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است، سپس به نرمی با او سخن بگویید، شاید متذکر شود یا (از خدا) بترسد.﴾

حداقل فایده این گونه سخن گفتن این است که همان بار اول، طرف را وادار به مقابله نمی‌کند. خداوند متعال در جای دیگر خطاب به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران: آیه ۱۵۹)؛ به برکت رحمت الهی در برابر آنان (مردم) نرم و مهربان شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند...﴾
بنابراین خویشتن داری، از اصیل‌ترین آداب مناظره است.

۳-۳) ضرورت رعایت انصاف

مناظره‌کننده باید امکاناتی برای طرف مقابل به وجود آورد تا آنچه در ذهن فراهم آورده، به کار گیرد و ایراد نماید. امام رضا ﷺ، در مناظره با مخالفین، هر جا جمله درستی از طرف مقابل

می‌شنید، فوراً تأیید می‌کرد و می‌فرمود: «صدقَت» (التوحید: ص ۴۲۹)، و گاهی می‌فرمود:

الآن جئت بالنصفة.

اکنون، کلام به انصاف راندی (الاحتجاج: ج ۲ ص ۴۳۶).
و بدین وسیله، شخص را ترغیب می‌کرد سؤالاتش را ادامه دهد.

فنون جدال و احتجاج^۱

منظور از فن، شگردها، روش‌ها و ابزارهاست که ما را در رسیدن به نتیجه مطلوب، راهنمایی می‌کند. از آنجا که هرکاری، فن خاص خود را دارد، جدل و احتجاج نیز از این امر مستثنی نیست و فنون خاصی دارد که رعایت این فنون در پیشبرد مقاصد علمی و عقیدتی جدال، مفید و مؤثر است.

۱. به دست آوردن میانی طرف مقابل

لازم است مناظره‌کننده، میانی طرف مقابل را به دست آورد و براساس آن وارد بحث و مناظره شود. در جلسه مناظره امام رضا^ع با مخالفین، جاثلیق به امام^ع می‌گوید:

چطور با کسی بحث کنم که با من به کتابی استدلال می‌کند که من منکر آن هستم؛ و به پیامبری استدلال می‌کند که به آن ایمان ندارم؟

امام رضا^ع فرمود:

ای مسیحی! اگر با انجیل تو، بر تو استدلال کنم، به آن اقرار می‌کنی؟ جاثلیق گفت: آری، علی‌رغم میل، بدان اقرار می‌کنم (الاحتجاج: ج ۲ ص ۴۲۰).

بنابراین امام رضا^ع، با هر گروه از مخالفان، بر اساس میانی خودشان مناظره می‌کرد و در واقع این‌گونه مناظره، هنر مناظره‌کننده را می‌رساند.

۲. استفاده بجا از میانی طرف مقابل

یکی از فنون احتجاج، این است که فرد محاجه‌کننده، برای اثبات باطل بودن نظر طرف مقابل، از میانی خود او استفاده کند و به کمک آن مطالب، عقاید او را به کلی محکوم و باطل کند. امام رضا^ع در مناظره با مسیحی فرمود:

ای مسیحی! سوگند به خدا، ما به عیسی^ع که به محمد ایمان داشت، ایمان داریم و بر عیسیای شما، ایرادی نمی‌گیریم جز آن‌که، نماز و روزه‌اش کم بود. نصرانی گفت: سوگند به

۱. با استفاده از درس میانی احتجاج در قرآن و حدیث، آقای دکتر علی‌الفاضلی استاد بزرگوار دانشکده علوم حدیث.

خدا! علمت را فاسد کردی و کارت را ضعیف ساختی؛ من فکر می‌کردم تو، داناترین مسلمانان هستی. امام رضا^ع فرمود: چطور؟! نصرانی گفت: از سخن تو [متعجبم] که می‌گویی عیسای شما کم‌روزه و کم‌نماز بود، در حالی که عیسی^ع حتی یک روز، افطار نکرد، و یک شب هم نخوابید، و در طول دوران روزه‌دار و هر شب، شب‌زنده‌دار بود. امام رضا^ع فرمود: برای چه کسی روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند؟! زبان نصرانی بسته شد و سخنش قطع شد (// احتجاج: ج ۲ ص ۴۲۲).

۳. مشخص کردن محل نزاع

طرفین مناظره باید در ابتدا، چارچوب بحث و محل نزاع را مشخص، و بحث را در چارچوب معین، هدایت کنند، تا آسان‌تر به نتیجه مطلوب برسند.

۴. واژه‌شناسی بحث:

از آنجا که برخی واژه‌ها، مبهم، دارای اشتراک لفظی و معانی متعدد هستند، بر طرفین مناظره فرض است که در ابتدای بحث، منظور خود را از این گونه واژه‌ها مشخص نمایند.

۵. منظم بحث کردن:

پیمودن بحث به صورت قدم به قدم، و از مقدمات ساده شروع کردن تا رسیدن به نتیجه مطلوب، از فنون ضروری مناظره است.

آفات جدال و احتجاج

به‌طور کلی، رعایت نکردن آداب، شرایط و فنون مناظره، جزو آفات است؛ رمز اصلی موفقیت در جدال و گفت‌وگو، رعایت موارد فوق و تلاش برای رهایی از آفت‌هاست. علاوه بر آن، موارد ذیل نیز، می‌توان نام برد:

۱. جهالت و نادانی

از مهم‌ترین آفات مجادله بوده و ریشه بسیاری از ردایل در آن نهفته است. قرآن کریم، انسان‌ها را از دنبال کردن چیزی که به آن علم و آگاهی ندارند، منع کرده است:

﴿ولا تلقوا مع لک به علم...﴾ (غافر: آیات ۴۱-۴۲)

امیرالمؤمنین، امام علی^ع نیز در روایتی فرموده است:

اگر بندگان وقتی چیزی را نمی‌دانستند [از اظهار نظر] باز می‌ایستادند، گمراه و کافر نمی‌شدند (میزان الحکمة: ج ۲ ص ۸۶۸).

همچنین حضرت^ع در جای دیگر می‌فرمایند:

اگر نادان سکوت کند، مردم اختلاف نخواهند کرد (بحار الانوار: ج ۷۸ ص ۸۱).

جدال و
الجدال

۲. گمان و پندار

انسان‌های متعهد و معتقد، هرگز بدون علم، آگاهی و دلیل، سخن نمی‌گویند. تکیه بر گمان و پندار، و قبول خرافات و موهومات، نشانه انحراف و بی‌عقلی است.

﴿مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنُّ وَإِنْ الظَّنُّ لَا يَفْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً﴾ (نجم: آیه ۲۸)
؛ آن‌ها از ظن و گمان پیروی می‌کنند، حال آن‌که گمان، هرگز انسان را بی‌نیاز از حق نمی‌کند و کسی را به حق نمی‌رساند.

﴿إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنُّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ...﴾ (نجم: آیه ۲۳)؛ آن‌ها، فقط از گمان‌های بی‌اساس و هوای نفس پیروی می‌کنند.

و این موهومات، همه زائیده پندار و هواس است.

۳. تقلید کورکورانه از گذشتگان

قرآن کریم، بارها افرادی را مورد نکوهش قرار می‌دهد که کورکورانه از دیگران تقلید می‌کنند و پافشاری و تعصب بی‌جا به خرج می‌دهند.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا آتَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَئِكَ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (بقره: آیه ۱۷۰)؛ هنگامی که به آنها گفته می‌شود از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: ما از آنچه پدران و نیاکان خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌کنیم.

قرآن، بلافاصله این منطق خرافی و تقلید کورکورانه از نیاکان را با این عبارت کوتاه و رسا محکوم می‌کند، و می‌فرماید:

آیا نه این است که پدران آن‌ها چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند؟ (تفسیر نمونه: ج ۱ ص ۵۷۷)
نکته قابل توجه این است که، کیش و آیین راه، به اتکای میراث پدران، نباید پذیرفت، و تسلیم شدن همه جانبه و کورکورانه در برابر آن‌ها، چیزی جز خرافه‌پرستی و ارتجاع و حماقت نیست. بنابراین، لازم است افراد، با پیروی از معیارهای عقلی و علمی، این‌راه را دنبال کنند تا حقیقت را دریابند.

۴. پیروی از هوی و هوس

سرچشمه بسیاری از گمراهی‌ها، پیروی از هوی و هوس است، و آثار و نتایج سوئی به دنبال دارد که، عبارتند از: تظاهر و ریاکاری، خشم و غضب، حقد و کینه‌توزی، رشک و حسد، خودستایی و نفاق و دورویی و ...

در قرآن کریم آمده است:

﴿وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (ص: آیه ۲۶) از هوی نفس پیروی مکن که تو را از طریق خداوند گمراه می‌سازد.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

اما اتباع الهوی فیصد عن الحق.

پیروی از هوای نفس، انسان را از راه خدا باز می دارد (نهج البلاغه: خطبه ۴۲).

البته باید توجه داشت که علت اساسی به ثمر رسیدن چنین آفات و خصلت‌های ناستوده‌ای در انسان، فراگیری علم و دانش برای غیر الهی است؛ چون در این مسیر غیر خدا مطرح است و اهداف دنیایی سراسر این مسیر را پوشانده است، گرفتار چنین آفاتی می‌شود. اگر هدف انسان صحیح، و انگیزه‌اش وصول به حقیقت و دفاع از آن باشد، هرگز دچار چنین آفاتی نمی‌گردد.

نتایج:

- قرآن کریم که سند حقانیت دین اسلام است، به جدال و احتجاج اهمیت ویژه ای داده و در اکثر موارد، بحث و گفتگو را شایسته تشویق دانسته و بر آن تاکید فرموده است.
- جدال در اسلام، جدال احسن است و از جدال غیر احسن نهی شده است .
- از نظر اسلام، هر فردی توانایی جدال و احتجاج کردن را ندارد، بلکه مجادله و محاجه کننده باید قبل از پرداختن به جدال و احتجاج، نسبت به اصول و فروع بحث، اهداف، آداب، شرایط، فنون و آفات مجادله آگاهی داشته و با مهارت و توانایی کامل وارد بحث و گفتگو شود.

بلاغه

کتاب نامه

قرآن کریم

۱. الاحتیاج، الطبرسی، احمد بن علی، مترجم: بهراد جعفری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
۲. بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار، مجلسی، محمدباقر، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۳ م.
۳. البرهان فی تفسیر القرآن، الحسینی البحرانی، سید هاشم، الطبعة الاولى، قم: قسم الدراسات الاسلامیه، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۶ هـ. ق.
۴. تفسیر تمونه، مکارم شیرازی، ناصر، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱.
۵. تفسیر نورالثقلین، العروسی الحویزی، علی بن جمعه، تحقیق: سید علی عاشور، الطبعة الاولى، مؤسسة تاریخ العربی بیروت - لبنان، ۱۴۲۲ = ۲۰۰۱ م.
۶. التوحید، الصدوق، محمد بن علی بن حسین یابویه، صححه و علقه علیه: سید هاشم الحسینی الطهرانی، الطبعة الرابعة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی جماعة المدرسین فی الحوزة العلییة، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۷. روح الممانی فی تفسیر القرآن العظیم وسیع المثالی، الوسی بغدادی، سید محمود، تهران، انتشارات جهان، بی تا.
۸. فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الكلمات، الحسنی موسوی الجزائری، نعمة الله، تحقیق: محمد رضوان الدایه، الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۵.
۹. گفت وگویی تمدنی در قرآن و حدیث، محمدی ری شهری، محمد، مترجم: محمدعلی سلطانی، قم: دارالحديث.
۱۰. لسان العرب، ابن منظور الافریقی المصری، محمد بن مکرم، بیروت: دار صادر، ۱۹۵۵ م.
۱۱. معرفت فطری خلد، برنجکار، رضا، تهران: مؤسسه نیا، ۱۳۷۴.
۱۲. مقابیح الجنان، قمی، شیخ عباس.
۱۳. مقدمه ابن خلدون، ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۴. میزان الحکمة، محمدی ری شهری، محمد، مترجم: حمید رضا شیخی، چاپ اول، قم: دارالحديث، ۱۳۷۷.
۱۵. نهج البلاغه، سید رضی.

کتابخانه
رجال و قرآن